



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

زندگانی

علیه السلام

امام حسین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگانی امام حسین علیه السلام

نویسنده:

هیئت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	زندگانی امام حسین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	زندگانی امام حسین علیه السلام
۶	حسین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه وسلم
۶	حسین علیه السلام با پدر
۷	امام حسین علیه السلام با برادر
۷	امام حسین علیه السلام در زمان معاویه
۸	قیام حسینی
۱۰	اخلاق و رفتار امام حسین علیه السلام
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگانی امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده: هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق

ناشر: هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق

زندگانی امام حسین علیه السلام

در روز سوم ماه شعبان سال چهارم هجرت [۱] دومین فرزند برومند حضرت علی و فاطمه، که درود خدا بر ایشان باد، در خانه وحی و ولایت چشم به جهان گشود. چون خبر ولادتش به پیامبر گرامی اسلام (ص) رسید، به خانه حضرت علی (ع) و فاطمه (س) آمد و اسما [۲] را فرمود تا کودکش را بیاورد. اسما او را در پارچه‌های سپید پیچید و خدمت رسول اکرم (ص) برد، آن گرامی به گوش راست او اذان و به گوش چپ او اقامه گفت. [۳]. به روزهای اول یا هفتمین روز ولادت با سعادتش، امین وحی الهی، جبرئیل، فرود آمد و گفت: سلام خداوند بر تو باد ای رسول خدا، این نوزاد را به نام پسر کوچک هارون (شیر) [۴] که به عربی (حسین) خوانده میشود نام بگذار. [۵]. چون علی برای تو بسان هارون برای موسی بن عمران است، جز آن که تو خاتم پیغمبران هستی. و به این ترتیب نام پر عظمت حسین از جانب پروردگار، برای دومین فرزند فاطمه (س) انتخاب شد. به روز هفتم ولادتش، فاطمه زهرا که سلام خداوند بر او باد، گوسفندی را برای فرزندش به عنوان عقیقه [۶] کشت، و سر آن حضرت را تراشید و هموزن موی سر او نقره صدقه داد. [۷].

حسین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه وسلم

از ولادت حسین بن علی (ع) که در سال چهارم هجرت بود تا رحلت رسول الله (ص) که شش سال و چند ماه بعد اتفاق افتاد، مردم از اظهار محبت و لطفی که پیامبر راستین اسلام (ص) درباره حسین (ع) ابراز میداشت، به بزرگواری و مقام شامخ پیشوای سوم آگاه شدند. سلمان فارسی میگوید: دیدم که رسول خدا (ص) حسین (ع) را بر زانوی خویش نهاده او را میبوسید و میفرمود: تو بزرگوار و پسر بزرگوار و پدر بزرگوارانی، تو امام و پسر امام و پدر امامان هستی، تو حجت خدا و پسر حجت خدا و پدر حجت‌های خدایی که نه نفرند و خاتم ایشان، قائم ایشان (امام زمان عج) میباشد. [۸]. انس بن مالک روایت میکند: وقتی از پیامبر پرسیدند کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست میداری، فرمود: حسن و حسین را، [۹]. بارها رسول گرامی حسن (ع) و حسین (ع) را به سینه می فشرد و آنان را می بوسید. [۱۰]. ابوهریره که از مزدوران معاویه و از دشمنان خاندان امامت است، در عین حال اعتراف میکند که: رسول اکرم را دیدم که حسن و حسین را بر شانه‌های خویش نشانده بود و به سوی ما می آمد، وقتی به ما رسید فرمود هر کس این دو فرزندم را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر که با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی نموده است. [۱۱]. عالیترین، صمیمیترین و گویاترین رابطه معنوی و ملکوتی بین پیامبر و حسین را میتوان در این جمله رسول گرامی اسلام (ص) خواند که فرمود: حسین از من و من از حسینم. [۱۲].

حسین علیه السلام با پدر

شش سال از عمرش با پیامبر بزرگوار سپری شد، و آن گاه که رسول خدا (ص) چشم از جهان فروبست و به لقای پروردگار

شتافت، مدت سی سال با پدر زیست. پدری که جز به انصاف حکم نکرد، و جز به طهارت و بندگی نگذرانید، جز خدا ندید و جز خدا نخواست و جز خدا نیافت. پدری که در زمان حکومتش لحظه‌ای او را آرام نگذاشتند، همچنان که به هنگام غصب خلافتش جز به آزارش برنخواستند. در تمام این مدت، با دل و جان از او امر پدر اطاعت می‌کرد، و در چند سالی که حضرت علی (ع) متصدی خلافت ظاهری شد، حضرت حسین (ع) در راه پیشبرد اهداف اسلامی، مانند یک سرباز فداکار همچون برادر بزرگوارش می‌کوشید، و در جنگهای جمل، صفین و نهروان شرکت داشت. [۱۳]. و به این ترتیب، از پدرش امیرالمؤمنین (ع) و دین خدا حمایت کرد و حتی گاهی در حضور جمعیت به غاصبین خلافت اعتراض می‌کرد. در زمان حکومت عمر، امام حسین (ع) وارد مسجد شد، خلیفه دوم را بر منبر رسول الله (ص) مشاهده کرد که سخن می‌گفت. بلادرنگ از منبر بالا- رفت و فریاد زد: از منبر پدرم فرود آی.... [۱۴].

امام حسین علیه السلام با برادر

پس از شهادت حضرت علی (ع)، به فرموده رسول خدا (ص) و وصیت امیرالمؤمنین (ع) امامت و رهبری شیعیان به حسن بن علی (ع)، فرزند بزرگ امیرالمؤمنین (ع)، منتقل گشت و بر همه مردم واجب و لازم آمد که به فرامین پیشوایشان امام حسن (ع) گوش فرا دهند. امام حسین (ع) که دست پرورده وحی محمدی و ولایت علوی بود، همراه و همکار و همفکر برادرش بود. چنان که وقتی بنا بر مصالح اسلام و جامعه مسلمانان و به دستور خداوند بزرگ، امام حسن (ع) مجبور شد که با معاویه صلح کند و آن همه ناراحتیها را تحمل نماید، امام حسین (ع) شریک رنجهای برادر بود و چون می‌دانست که این صلح به صلاح اسلام و مسلمین است، هرگز اعتراض به برادر نداشت و حتی یک روز که معاویه، در حضور امام حسن (ع) و امام حسین (ع) دهان آلوده اش را به بدگویی نسبت به امام حسن (ع) و پدر بزرگوارشان امیرمؤمنان (ع) گشود، امام حسین (ع) به دفاع برخاست تا سخن در گلوی معاویه بشکند و سزای ناهنجاریش را به کنارش بگذارد، ولی امام حسن (ع) او را به سکوت و خاموشی فراخواند، امام حسین (ع) پذیرا شد و به جایش بازگشت، آن گاه امام حسن (ع) خود به پاسخ معاویه برآمد، و با بیانی رسا و کوبنده خاموشش ساخت. [۱۵]

امام حسین علیه السلام در زمان معاویه

چون امام حسن (سلام خدا و فرشتگان خدا بر او باد) از دنیا رحلت فرمود، به گفته رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و وصیت حسن بن علی (ع) امامت و رهبری شیعیان به امام حسین (ع) منتقل شد و از طرف خدا مأمور رهبری جامعه گردید. امام حسین (ع) می‌دید که معاویه با اتکا به قدرت اسلام، بر اریکه حکومت اسلام به ناحق تکیه زده، سخت مشغول تخریب اساس جامعه اسلامی و قوانین خداوند است، و از این حکومت پوشالی مخرب به سختی رنج می‌برد، ولی نمیتوانست دستی فراز آورد و قدرتی فراهم کند تا او را از جایگاه حکومت اسلامی پایین بکشد، چنانچه برادرش امام حسن (ع) نیز وضعی مشابه او داشت. امام حسین (ع) میدانست اگر تصمیمش را آشکار سازد و به سازندگی قدرت پردازد، پیش از هر جنبش و حرکت مفیدی به قتلش می‌رساند، ناچار دندان بر جگر نهاد و صبر را پیشه ساخت که اگر برمی‌خواست، پیش از اقدام به دسیسه کشته می‌شد، و از این کشته شدن هیچ نتیجه‌ای گرفته نمی‌شد. بنابراین تا معاویه زنده بود، چون برادر زیست و علم مخالفتهای بزرگ نیفراخت، جز آن که گاهی محیط و حرکات و اعمال معاویه را به باد انتقاد می‌گرفت و مردم را به آینده نزدیک امیدوار می‌ساخت که اقدام مؤثری خواهد نمود. و در تمام طول مدتی که معاویه از مردم برای ولایتعهدی یزید، بیعت می‌گرفت، حسین به شدت با او مخالفت کرد، و هرگز تن به بیعت یزید نداد و ولایتعهدی او را نپذیرفت و حتی گاهی سخنانی تند به معاویه گفت و یا نامه‌های کوبنده برای او نوشت. [۱۶]. معاویه هم در بیعت

گرفتن برای یزید، به او اصراری نکرد و امام (ع) همچین بود و ماند تا معاویه در گذشت...

قیام حسینی

یزید پس از معاویه بر تخت حکومت اسلامی تکیه زد و خود را امیرالمؤمنین خواند، و برای این که سلطنت ناحق و ستمگرانه اش را تثبیت کند، مصمم شد برای نامداران و شخصیت‌های اسلامی پیامی بفرستد و آنان را به بیعت با خویش بخواند. به همین منظور، نامه ای به حاکم مدینه نوشت و در آن یادآور شد که برای من از حسین (ع) بیعت بگیر و اگر مخالفت نمود بقتلش برسان. حاکم این خبر را به امام حسین (ع) رسانید و جواب مطالبه نمود. امام حسین (ع) چنین فرمود: انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذا بلیت الامه براع مثل یزید. [۱۷]. آن گاه که افرادی چون یزید، (شرابخوار و قمارباز و بیایمان و ناپاک که حتی ظاهر اسلام را هم مراعات نمیکنند) بر مسند حکومت اسلامی بنشیند، باید فاتحه اسلام را خواند. (زیرا این گونه زمامدارها با نیروی اسلام و به نام اسلام، اسلام را از بین می برند.) امام حسین (ع) می دانست اینک که حکومت یزید را به رسمیت نشناخته است، اگر در مدینه بماند به قتلش می رسانند، لذا به امر پروردگار، شبانه و مخفی از مدینه به سوی مکه حرکت کرد. آمدن آن حضرت به مکه، همراه با سرباز زدن او از بیعت یزید، در بین مردم مکه و مدینه انتشار یافت، و این خبر تا به کوفه هم رسید. کوفیان از امام حسین (ع) که در مکه بسر میبرد دعوت کردند تا به سوی آنان آید و زمامدار امورشان باشد. امام (ع) مسلم بن عقیل، پسر عموی خویش را به کوفه فرستاد تا حرکت و واکنش اجتماع کوفی را از نزدیک ببیند و برایش بنویسد. مسلم به کوفه رسید و با استقبال گرم و بی سابقه ای روبرو شد، هزاران نفر به عنوان نایب امام (ع) با او بیعت کردند، و مسلم هم نامه ای به امام حسین (ع) نگاشت و حرکت فوری امام (ع) را لازم گزارش داد. هر چند امام حسین (ع) کوفیان را به خوبی می شناخت، و بی وفایی و بی دینیشان را در زمان حکومت پدر و برادر دیده بود و می دانست به گفته ها و بیعتشان با مسلم نمی توان اعتماد کرد، و لیکن برای اتمام حجت و اجرای اوامر پروردگار تصمیم گرفت که به سوی کوفه حرکت کند. با این حال تا هشتم ذیحجه، یعنی روزی که همه مردم مکه عازم رفتن به منی بودند [۱۸] و هر کس در راه مکه جا مانده بود با عجله تمام می خواست خود را به مکه برساند، آن حضرت در مکه ماند و در چنین روزی با اهل بیت و یاران خود، از مکه به طرف عراق خارج شد و با این کار هم به وظیفه خویش عمل کرد و هم به مسلمانان جهان فهماند که پسر پیغمبر امت، یزید را به رسمیت نشناخته و با او بیعت نکرده، بلکه علیه او قیام کرده است. یزید که حرکت مسلم را به سوی کوفه دریافته و از بیعت کوفیان با او آگاه شده بود، ابن زیاد را (که از پلیدترین یاران یزید و از کثیف ترین طرفداران حکومت بنی امیه بود) به کوفه فرستاد. ابن زیاد از ضعف ایمان و دورویی و ترس مردم کوفه استفاده نمود و با تهدید و ارباب، آنان را از دور و بر مسلم پراکنده ساخت، و مسلم به تنهایی با عمال ابن زیاد به نبرد پرداخت، و پس از جنگی دلاورانه و شگفت، با شجاعت شهید شد. (سلام خدا بر او باد). و ابن زیاد جامعه دورو و خیانتکار و بی ایمان کوفه را علیه امام حسین (ع) برانگیخت، و کار به جایی رسید که عده ای از همان کسانی که برای امام (ع) دعوتنامه نوشته بودند، سلاح جنگ پوشیدند و منتظر ماندند تا امام حسین (ع) از راه برسد و به قتلش برسانند. امام حسین (ع) از همان شبی که از مدینه بیرون آمد، و در تمام مدتی که در مکه اقامت گزید، و در طول راه مکه به کربلا، تا هنگام شهادت، گاهی به اشاره، گاهی به صراحت، اعلان می داشت که: مقصود من از حرکت، رسوا ساختن حکومت ضد اسلامی یزید و برپاداشتن امر به معروف و نهی از منکر و ایستادگی در برابر ظلم و ستمگری است و جز حمایت قرآن و زنده داشتن دین محمدی هدفی ندارم. و این مأموریتی بود که خداوند به او واگذار نموده بود، حتی اگر به کشته شدن خود و اصحاب و فرزندان و اسیری خانواده اش اتمام پذیرد. رسول گرامی (ص) و امیرمؤمنان (ع) و حسن بن علی (ع) پیشوایان پیشین اسلام، شهادت امام حسین (ع) را بارها بیان فرموده بودند. حتی در هنگام ولادت امام حسین (ع)، رسول گرامی (ص) شهادتش را تذکر داده بود. [۱۹]. و خود امام حسین (ع) به علم امامت می دانست که آخر

این سفر به شهادتش می انجامد، ولی او کسی نبود که در برابر دستور آسمانی و فرمان خدا برای جان خود ارزشی قائل باشد، یا از اسارت خانواده اش واهمه ای به دل راه دهد. او آن کس بود که بلا را و شهادت را سعادت می پنداشت. (سلام ابدی خدا بر او باد). خبر شهادت حسین (ع) در کربلا به قدری در اجتماع اسلامی مورد گفتگو واقع شده بود که عامه مردم از پایان این سفر مطلع بودند. چون جسته و گریخته، از رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن بن علی (ع) و دیگر بزرگان صدر اسلام شنیده بودند. بدینسان حرکت امام حسین (ع) با آن درگیریها و ناراحتیها احتمال کشته شدنش را در اذهان عامه تشدید کرد. بویژه که خود در طول راه می فرمود: من کان باذلاً فینا مهجته و موطناً علی لقاء الله نفسہ فلیرحل معنا. [۲۰]. هر کس حاضر است در راه ما از جان خویش بگذرد و به ملاقات پروردگار بشتابد، همراه ما بیاید. و لذا در بعضی از دوستان این توهم پیش آمد که حضرتش را از این سفر منصرف سازند. غافل از این که فرزند علی بن ابی طالب (ع) امام و جانشین پیامبر، و از دیگران به وظیفه خویش آگاهتر است و هرگز از آنچه خدا بر عهده او نهاده دست نخواهد کشید. باری امام حسین (ع) با همه این افکار و نظریه ها که اطرافش را گرفته بود به راه خویش ادامه داد، و کوچکترین خللی در تصمیمش راه نیافت. سرانجام، رفت، و شهادت را دریافت. نه خود تنها، بلکه با اصحاب و فرزندان که هر یک ستاره ای درخشان در افق اسلام بودند، رفتند و کشته شدند، و خونهایشان شنهای گرم دشت کربلا را لاله باران کرد تا جامعه مسلمانان بفهمد یزید (باقیمانده بسترهای گناه آلود خاندان امیه) جانشین رسول خدا نیست، و اساساً اسلام از بنی امیه و بنی امیه از اسلام جداست. راستی هرگز اندیشیده اید اگر شهادت جانگداز و حماسه آفرین حسین (ع) به وقوع نمی پیوست و مردم یزید را خلیفه پیغمبر (ص) می دانستند، و آن گاه اخبار دربار یزید و شهوترانی های او و عمالش را می شنیدند، چقدر از اسلام متفرق می شدند، زیرا اسلامی که خلیفه پیغمبرش یزید باشد، به راستی نیز تنفر آور است... و خاندان پاک حضرت امام حسین (ع) نیز اسیر شدند تا آخرین رسالت این شهادت را به گوش مردم برسانند. و شنیدیم و خواندیم که در شهرها، در بازارها، در مسجدها، در بارگاه متعفن پسر زیاد و دربار نکبت بار یزید، همواره و همه جا دهان گشودند و فریاد زدند، و پرده زیبای فریب را از چهره زشت و جنایتکار جیره خواران بنی امیه برداشتند و ثابت کردند که یزید سگباز و شرابخوار است، هرگز لیاقت خلافت ندارد و این اریکه ای که او بر آن تکیه زده جایگاه او نیست. سخنانشان رسالت شهادت حسینی را تکمیل کرد، طوفانی در جانها برانگیختند، چنان که نام یزید تا همیشه مترادف با هر پستی و رذالت و دنائت گردید و همه آرزوهای طلایی و شیطانیش چون نقش بر آب گشت. نگرشی ژرف می خواهد تا بتوان بر همه ابعاد این شهادت عظیم و پرنتیجه دست یافت. از همان اوان شهادتش تاکنون، دوستان و شیعیانش، و همه آنان که به شرافت و عظمت انسان ارج می گذارند، همه ساله سالروز به خون غلتیدنش را، سالروز قیام و شهادتش را با سیاهپوشی و عزاداری محترم می شمارند، و خلوص خویش را با گریه برمصاب آن بزرگوار ابراز میدارند. پیشوایان مآل اندیش و معصوم ما، همواره به واقعه کربلا و به زنده داشتن آن عنایتی خاص داشتند. غیر از این که خود به زیارت مرقدش می شتافتند و عزایش را بر پا می داشتند، در فضیلت عزاداری و محزون بودن برای آن بزرگوار، گفتارهای متعددی ایراد فرموده اند. ابوعمار گوید: روزی به حضور امام ششم صادق آل محمد (ع) رسیدم، فرمود اشعاری در سوگواری حسین برای ما بخوان. وقتی شروع به خواندن نمودم صدای گریه حضرت برخاست، من می خواندم و آن عزیز می گریست، چندان که صدای گریه از خانه برخاست. بعد از آن که اشعار را تمام کردم، امام (ع) در فضیلت و ثواب مرثیه و گریاندن مردم بر امام حسین (ع) مطالبی بیان فرمود. [۲۱]. و نیز از آن جناب است که فرمود: گریستن و بی تابی کردن در هیچ مصیبتی شایسته نیست مگر در مصیبت حسین بن علی، که ثواب و جزایی گرانمایه دارد. [۲۲]. باقرالعلوم، امام پنجم (ع) به محمد بن مسلم که یکی از اصحاب بزرگ او است فرمود: به شیعیان ما بگوئید که به زیارت مرقد حسین بروند، زیرا بر هر شخص باایمانی که به امامت ما معترف است، زیارت قبر اباعبدالله لازم میباشد. [۲۳]. امام صادق (ع) میفرماید: ان زیارة الحسین علیه السلام افضل ما یکون من الاعمال. همانا زیارت حسین (ع) از هر عمل پسندیده ای ارزش و فضیلتش بیشتر است. [۲۴]. زیرا که این زیارت در

حقیقت مدرسه بزرگ و عظیم است که به جهانیان درس ایمان و عمل صالح می دهد و گویی روح را به سوی ملکوت خوبی ها و پاکدامنی ها و فداکاری ها پرواز می دهد. هر چند عزاداری و گریه بر مصایب حسین بن علی (ع)، و مشرف شدن به زیارت قبرش و باز نمایاندن تاریخ پرشکوه و حماسه ساز کربلایش ارزش و معیاری والا دارد، لکن باید دانست که نباید تنها به این زیارت ها و گریه ها و غم گساریدن اکتفا کرد، بلکه همه این تظاهرات، فلسفه دینداری، فداکاری و حمایت از قوانین آسمانی را به ما گوشزد می نماید، و هدف هم جز این نیست، و نیاز بزرگ ما از درگاه حسینی آموختن انسانیت و خالی بودن دل از هر چه غیر از خداست می باشد، و گرنه اگر فقط به صورت ظاهر قضیه پردازیم، هدف مقدس حسینی به فراموشی می گراید.

اخلاق و رفتار امام حسین علیه السلام

با نگاهی اجمالی به ۵۶ سال زندگی سراسر خداخواهی و خداجویی حسین (ع)، درمی یابیم که همواره وقت او به پاکدامنی و بندگی و نشر رسالت احمدی و مفاهیم عمیقی والاتراز درک و دید ما گذشته است. اکنون مروری کوتاه به زوایای زندگانی آن عزیز، که پیش روی ما است: جنابش به نماز و نیایش با پروردگار و خواندن قرآن و دعا و استغفار علاقه بسیاری داشت. گاهی در شبانه روز صدها رکعت نماز می گذاشت. [۲۵]. و حتی در آخرین شب زندگی دست از نیاز و دعا برنداشت، و خوانده ایم که از دشمنان مهلت خواست تا بتواند با خدای خویش به خلوت بنشیند. و فرمود: خدا می داند که من نماز و تلاوت قرآن و دعای زیاد و استغفار را دوست دارم. [۲۶]. حضرتش بارها پیاده به خانه کعبه شتافت و مراسم حج را برگزار کرد. [۲۷]. ابن اثیر در کتاب اسد الغابه می نویسد: کان الحسین رضی الله عنه فاضلا کثیر الصوم و الصلوٰه و الحج و الصدقه و افعال الخیر جمیعها. [۲۸]. حسین (ع) بسیار روزه می گرفت و نماز می گزارد و به حج می رفت و صدقه می داد و همه کارهای پسندیده را انجام می داد. شخصیت حسین بن علی (ع) آنچنان بلند و دور از دسترس و پرشکوه بود که وقتی با برادرش امام مجتبی (ع) پیاده به کعبه می رفتند، همه بزرگان و شخصیتهای اسلامی به احترامشان از مرکب پیاده شده، همراه آنان راه می پیمودند. [۲۹]. احترامی که جامعه برای حسین (ع) قائل بود، بدان جهت بود که او با مردم زندگی می کرد - از مردم و معاشرتشان کناره نمی جست - با جان جامعه هماهنگ بود، چونان دیگران از مواهب و مصائب یک اجتماع برخوردار بود، و بالاتر از همه ایمان بی تزلزل او به خداوند، او را غمخوار و یاور مردم ساخته بود. و گرنه، او نه کاخهای مجلل داشت و نه سربازان و غلامان محافظ، و هرگز مثل جباران راه آمد و شد را به گذرش بر مردم نمی بستند، و حرم رسول الله (ص) را برای او خلوت نمی کردند... این روایت یک نمونه از اخلاق اجتماعی اوست، بخوانیم: روزی از محلی عبور می فرمود، عده ای از فقرا بر عباهای پهن شده شان نشسته بودند و نان پاره های خشکی می خوردند، امام حسین (ع) می گذشت که تعارفش کردند و او هم پذیرفت، نشست و تناول فرمود و آن گاه بیان داشت: ان الله لا یحب المتکبرین، [۳۰] خداوند متکبران را دوست نمی دارد. سپس فرمود: من دعوت شما را اجابت کردم، شما هم دعوت مرا اجابت کنید. آنها هم دعوت آن حضرت را پذیرفتند و همراه جنابش به منزل رفتند. حضرت دستور داد هر چه در خانه موجود است به ضیافتشان بیاورند، [۳۱] و بدین ترتیب پذیرایی گرمی از آنان به عمل آمد، و نیز درس تواضع و انساندوستی را با عمل خویش به جامعه آموخت. شعب بن عبدالرحمن خزاعی می گوید: چون حسین بن علی (ع) به شهادت رسید، بر پشت مبارکش آثار پینه مشاهده کردند، علتش را از امام زین العابدین (ع) پرسیدند، فرمود این پینه ها اثر کیسه های غذایی است که پدرم شبها به دوش می کشید و به خانه زنهای شوهر مرده و کودکان یتیم و فقرا می رسانید. [۳۲]. شدت علاقه امام حسین (ع) را به دفاع از مظلوم و حمایت از ستمدیدگان می توان در داستان ارینب و همسرش عبدالله بن سلام دریافت، که اجمال و فشرده اش را در این جا متذکر می شویم: یزید به زمان ولایتعهدی، با این که همه نوع وسایل شهوترانی و کامجویی و کامروایی از قبیل پول، مقام، کنیزان رقاصه و... در اختیار داشت، چشم ناپاک و هرزه اش را به بانوی شوهردار عقیقی دوخته بود. پدرش معاویه به جای این که در برابر این

رفتار زشت و ننگین عکس العمل کوبنده‌ای نشان دهد، با حيله گری و دروغ پردازی و فریبکاری، مقدماتی فراهم ساخت تا زن پاکدامن مسلمان را از خانه شوهر جدا ساخته به بستر گناه آلوده پسرش یزید بکشاند. حسین بن علی (ع) از قضیه باخبر شد، در برابر این تصمیم زشت ایستاد و نقشه شوم معاویه را نقش بر آب ساخت و با استفاده از یکی از قوانین اسلام، زن را به شوهرش عبدالله بن سلام بازگرداند و دست تعدی و تجاوز یزید را از خانواده مسلمان و پاکیزه‌ای قطع نمود و با این کار همت و غیرت الهی اش را نمایان و علاقه مندی خود را به حفظ نوامیس جامعه مسلمانان ابراز داشت، و این رفتار داستانی شد که در مفاخر آل علی (ع) و دناوت و ستمگری بنی امیه، برای همیشه در تاریخ به یادگار ماند. [۳۳]. علائلی در کتاب سمو المعنی می نویسد: ما در تاریخ انسان به مردان بزرگی برخورد می کنیم که هر کدام در جبهه و جهتی عظمت و بزرگی خویش را جهانگیر ساخته اند، یکی در شجاعت، دیگری در زهد، آن دیگری در سخاوت، و... اما شکوه و بزرگی امام حسین (ع) حجم عظیمی است که ابعاد بی نهایتش هر یک مشخص کننده یک عظمت فراز تاریخ است، گویا او جامع همه والایها و فرازمندیها است. [۳۴]. آری، مردی که وارث بیکرانگی نبوت محمدی است، مردی که وارث عظمت عدل و مروت پدری چون حضرت علی (ع) است و وارث جلال و درخشندگی فضیلت مادری چون حضرت فاطمه (س) است، چگونه نمونه برتر و والای عظمت انسان و نشانه آشکار فضیلت‌های خدایی نباشد. درود ما بر او باد که باید او را سبیل اعمال و کردارمان قرار دهیم. امام حسین (ع) و حکایت زیستن و شهادتش و لحن گفتارش و ابعاد کردارش نه تنها نمونه یک بزرگ مرد تاریخ را برای ما مجسم می سازد، بلکه او با همه خویشتن، آئینه تمام نمای فضیلتها، بزرگ منشی‌ها، فداکاری‌ها، جانبازی‌ها، خداخواهی‌ها و خداجویی‌ها می باشد، او به تنهایی می تواند جان را به لاهوت راهبر باشد و سعادت بشریت را ضامن گردد. بودن و رفتنش، معنویت و فضیلت‌های انسان را ارجمند نمود.

پاورقی

- [۱] در سال و ماه و روز ولادت امام حسین (ع) اقوال دیگری هم گفته شده است، ولی ما قول مشهور بین شیعه را نقل کردیم. ر. به. ک. اعلام الوری طبرسی، ص ۲۱۳.
- [۲] احتمال دارد منظور از اسما، دختر یزید بن سکن انصاری باشد. ر. به. ک. اعیان الشیعه، جزء ۱۱، ص ۱۶۷.
- [۳] امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۷۷.
- [۴] شبر بر وزن حسن، و شبیر بر وزن حسین، و مبشر بر وزن محسن، نام پسران هارون بوده است و پیغمبر اسلام (ص) فرزندان خود حسن و حسین و محسن را به این سه نام نامیده است - تاج العروس، ج ۳، ص ۳۸۹، این سه کلمه در زبان عبری همان معنی را دارد که حسن و حسین و محسن در زبان عربی دارد - لسان العرب، ج ۶۶، ص ۶۰.
- [۵] معانی الاخبار، ص ۵۷.
- [۶] در منابع اسلامی درباره عقیده سفارش فراوان شده و برای سلامتی فرزند بسیار مؤثر دانسته شده است. ر. به. ک. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۴۳ به بعد.
- [۷] کافی، ج ۶، ص ۳۳.
- [۸] مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۴۶ - کمال الدین صدوق، ص ۱۵۲.
- [۹] سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۳.]
- [۱۰] ذخائر العقبی، ص ۱۲۲.
- [۱۱] الاصابه، ج ۱۱، ص ۳۰.
- [۱۲] سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۴ - در این قسمت روایاتی که در کتابهای اهل تسنن آمده است نقل شد تا برای آنها هم سندیت

داشته باشد.

[۱۳] الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۳.

[۱۴] تذکره الخواص ابن جوزی، ص ۳۴ - الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۳، آن طور که بعضی از مورخین گفته اند این موضوع تقریباً در سن ده سالگی امام حسین (ع) اتفاق افتاده است.

[۱۵] ارشاد مفید، ص ۱۷۳.

[۱۶] رجال کشی، ص ۹۴ - کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۰۶.

[۱۷] مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۴ - لهوف، ص ۲۰.

[۱۸] روز هشتم ماه ذیحجه مستحب است که حاجیها به منی بروند، و در آن زمان به این حکم استجابی عمل می کردند، ولی در زمان ما مرسوم شده است که از روز هشتم یکسره به عرفات می روند.

[۱۹] کامل الزیارات، ص ۶۸ به بعد - مشیر الاحزان، ص ۹.

[۲۰] لهوف، ص ۵۳.

[۲۱] کامل الزیارات، ص ۱۰۵.

[۲۲] کامل الزیارات، ص ۱۰۱.

[۲۳] کامل الزیارات، ص ۱۲۱.

[۲۴] کامل الزیارات، ص ۱۴۷.

[۲۵] عقد الفرید، ج ۳، ص ۱۴۳.

[۲۶] ارشاد مفید، ص ۲۱۴.

[۲۷] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۲۴ - اسد الغابّه، ج ۲، ص ۲۰.

[۲۸] اسد الغابّه، ج ۲، ص ۲۰.

[۲۹] ذکری الحسین، ج ۱، ص ۱۵۲، به نقل از ریاض الجنان، چاپ بمبئی، ص ۲۴۱ - انساب الاشراف.

[۳۰] سوره نحل، آیه ۲۲.

[۳۱] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۷.

[۳۲] مناقب، ج ۲، ص ۲۲۲.

[۳۳] الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۲۵۳ به بعد.

[۳۴] از کتاب سمو المعنی، ص ۱۰۴ به بعد، نقل به معنی شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبها: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

